

www.ketab.ir

مهرگان آروین ۱۳۲۷

دیالکتیک مفاهیم / نوشته آروین مهرگان / اصفهان /

نشر فردا / ۱۳۸۵

۱۶۴ ص (معرفت شناسی / ۲)

ISBN: 964-6328-07- 5

عنوان اصلی

دیالکتیک مفاهیم

معرفت شناسی - فلسفه - نقد و نظر فارسی / قرن بیستم

الف مهرگان آروین نویسنده، ب. عنوان

۸۲۲/۱۱

PR

الف ۲۹۱

۱۳۸۵

۸۵ - ۰۹۲

کتابخانه ملی

دیالکتیک مفاهیم

پژوهشی در ساخت های نحوی

آروین مهرگان

اصفهان / ۱۳۸۵



نشر فردا

اصفهان: خیابان احمد آباد، خیابان مهرگان

تلفن: ۲۲۵۳۶۵۰

دفتر شماره ۲، انتهای خیابان شهید توانا،

روبه روی چشمه، تلفن: ۲۶۵۷۶۳۲

دیالکتیک مفاهیم آروین مهرگان

آماده سازی	کانون تبلیغاتی سپیدار
حروف نگار	فرخ کهلانی
صفحه آرا	امیر هوشنگ الله وردی
لینوگرافی	سروش
چاپ	فردا
صحافی	سپاهان
چاپ اول	۱۳۷۷
چاپ دوم	بهار ۱۳۸۵
شمارگان	۲۲۰۰

کلیه ی حقوق محفوظ است

فهرست مندرجات

پیشگفتار	۹
آیین	۱۵
ساخت نحوی آیین	۲۰
رؤیا و آیین	۲۲
شعر و آیین	۲۴
زبان و آیین	۲۵
معنا	۳۳
تمثیل فرگه	۳۸
مفهوم	۵۱
جمله	۷۷
۱- تبارشناسی جمله	۸۱

۹۶	۲- تحریر محل نزاع
۱۰۱	۳- ساخت نحوی خرد غریزی
۱۱۲	۴- ساخت نحوی زبان
۱۱۹	۵- زبان و اصل تناقض
۱۲۸	۶- ماهیت حافظه
۱۳۲	۷- مکانیسم ارتباط
۱۳۳	۸- فرآیند تفکر
۱۳۸	۹- اشکال اسناد در جمله
۱۳۸	۱- شیء + شیء
۱۳۹	۲- شیء + مفهوم
۱۴۰	۳- مفهوم + مفهوم
۱۴۰	۴- مفهوم + شیء
۱۴۳	۱۰- اقسام نسبت

۱۵۱	ضمیمه
۱۵۳	تصویر، مفهوم، نماد
۱۵۸	تصویر و نماد

پیشگفتار

این کتاب نیز از لحاظ اهداف معرفت شناختی خود مکمل و ادامه کتاب اول یعنی «دیالکتیک نمادها» است. به همان مقیاسی که در اثر قبلی ساختار معرفت تصویری مورد پژوهش و تأکید بود در اینجا معرفت لفظی و زبانی یعنی معرفت مفهومی و رابطه آن با معرفت تصویری مورد ارزیابی و جست وجو است در آنجا عمدتاً ساختار خرد غریزی مورد تحلیل قرار گرفت و در اینجا معرفت مبتنی بر زبان زمینه تحلیل را تشکیل می دهد هر چند معرفت اخیر در تحلیل نهایی به معرفتی تصویری قابل تحویل است.

در هر دو قلمرو پژوهش هدف اساسی و عام پاسخ گفتن به این پرسش بنیادین و دیرینه است که معرفت چیست و نحوه حصول آگاهی کدام است. در پرتو چنین رویکرد عامی بسیاری از مسائل خاص نیز از قبیل چیستی معنا و مفهوم و جمله و شعر و رؤیا و... مورد بحث قرار گرفته و به آن پاسخ داده شده است.

به گمان ما یکی از دلایل مهم به تعویق افتادن مسائل مربوط به شناخت در این است که معرفت شناسی در تفکر سنتی عمدتاً در بطن

فلسفه متافیزیک مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گرفت و به سمت و سو و مباحثی کشیده می‌شد که اصولاً ربطی به معرفت‌شناسی نداشت. «اندیشه» متافیزیک که خود بر شالوده یک سوء فهم بنا شده است و زمینه‌ی مباحث آن چیزی جز موهومات و خرافات علما و انگیزه آن چیزی جز ماجراجویی «عقلانی» نیست طبیعتاً قادر به پاسخ گفتن به مسئله‌ای که ماهیتاً دارای حقانیت علمی و عینی و واقعی است نمی‌باشد. پرسش آگاهی چیست پرسشی است ملموس و واقعی که ریشه در کارکردهای مغز و ساخت و کار و مکانیسم‌های آن دارد و با مسائل واهی و تخیلی و من درآوردی متافیزیک هیچ‌گونه قرابتی نمی‌تواند داشته باشد. معرفت‌شناسی علمی نیز همانند بسیاری از شاخه‌های دیگر که از فلسفه متافیزیک جدا شده‌اند، آخرین شاخه جدا شده از بطن این فلسفه و جای گزیده در قلمرو علوم تجربی است بنابراین هر چند مباحث آن به لحاظ طبیعت موضوع عمدتاً نظری است اما روشن است که پاسخ به پرسش‌های آن جز پاسخی علمی نمی‌تواند باشد. اندیشه‌ی علمی که وجه مشخصه آن وفاداری به واقعیت است باید شبه اندیشه‌های گسسته از واقعیت را به صورت جدی افشا و بی‌پایه بردن آن را بر ملا کند و همواره به خاطر داشته باشد که متافیزیک دامی فراراه اندیشه علمی است.

نکته مهمی را که خواننده در این کتاب باید مؤکداً بدان توجه داشته باشد تغییر محور اندیشه در تفکر مفهومی است. ساختار تفکر در اندیشه‌ی غربی که در کتاب «دیالکتیک نمادها» مورد بررسی قرار گرفت سه حدی و مبتنی بر مشابهت است و در تفکر مفهومی به دلایلی که مفصلاً در این کتاب از آن سخن گفته شده به دو حد تغییر می‌کند. در این محور، اساس تفکر نه بر مدار مبتنی بر مشابهت بلکه بر مدار مبتنی بر

مجاورت قرار دارد. این دو حدی شدن محور اندیشه که با پیدایش زبان آغاز شده است پیامدهایی را به دنبال داشته که نهایتاً به خلق فرهنگ و تمدن انسانی انجامیده است و در پناه آن گذر از گله‌های اولیه حیوانی به جامعه‌ای انسانی و برخوردار از روابط انسانی میسر و ممکن شده است. هیچ رویدادی در تاریخ بشر به اهمیت پیدایش زبان و به دنبال و همزمان با آن تغییر محور تفکر در اندیشه بشری نیست. این رویداد عامل اصلی تغییر و تحول کیفی از هویت حیوانی به شخصیت انسانی است. بشریت با زبان آغاز شده است هر چند در برخی از عرصه‌ها - هم چون در عرصه متافیزیک - در تور آفریده خود به دام افتاده است.

یک نکته مهم دیگر در اینجا سزاوار یادآوری است و آن این است که ساختار تفکر مفهومی ساختاری خلق الساعه نیست و همان‌طور که در متن این کتاب خواهیم دید از بطن اندیشه و خرد غریزی زاییده شده و با تغییر دادن مکانیسم‌های آن به ساخت ویژه خود متحول شده است با این وجود میان طبیعت (غریزه) و فرهنگ مرز غیرقابل عبوری موجود نیست و هرگاه بخواهیم ساختار تفکر مفهومی را به ابتدایی‌ترین و بنیادی‌ترین مؤلفه‌های آن تجزیه کنیم به عناصر و ساخت خرد غریزی دست خواهیم یافت.

این همبستگی و تعامل میان ساخت خرد غریزی و مفهومی در اندیشه ما، در شعر که عالی‌ترین تجلی این تعامل است به بهترین و روشن‌ترین وجه نمایان است. شعر هم زمان و در آن واحد ساختار تفکر غریزی و مفهومی ما را به یکسان منعکس می‌کند و از این لحاظ در میان فرآورده‌های فرهنگی پدیده‌ای مطلقاً بی‌همتا و مطلقاً یگانه است.

واقعیت این است که ما موجودی هستیم یا دقیق‌تر در فرایند تکاملی خود علی‌الخصوص با پیدایش زبان موجودی شده‌ایم با ذهنی دومحوری که هم در عرصه هنر، شعر و رؤیا در چارچوب ساخت سه‌حدی خرد

غریزی خود می‌اندیشیم و هم در فرم دوحدی اندیشه مفهومی که از تغییر ساختار خرد غریزی بدان نایل آمده‌ایم.^{۳۳} حذف یا سرکوب یکی از این دو محور یا دو قطب فعالیت ذهنی به سود دیگری نه معقول است و نه ممکن، این دو محور ذهن، جهان اندیشه و عواطف ما را به نحو بی‌سابقه‌ای گسترش داده و چشم‌انداز بینهایت جالب توجه و غرورآفرینی را برای این حیوان زمینی فراهم آورده‌اند. لذت معنوی و سرور روانی که دو وجه اندیشه‌ورزی و هنرآفرینی ذهن برای ما فراهم آورده‌اند با هیچ لذت دیگری قابل قیاس نیست. هنر چراغی فرا راه هزار توی عواطف درونی ما و علم به مثابه نوری در رهگذر جهان بیرونی ماست. با این دو بر تاریکی‌های درون و برون غلبه می‌کنیم.

در تفکر مفهومی نه تنها محور تفکر دگرگون شده بلکه در تأکید روی نسبت‌هایی که ذهن میان اشیاء برقرار می‌کند نیز تغییر مهمی حاصل آمده است.

هنگامی که زبان با نامگذاری روی اشیاء حدود و ثغور هر شیء را معین کرد، حدود و ثغوری که اصل آهین اینهمانی بر آن حکمفرماست رابطه مبتنی بر شباهت میان اشیاء که ملکه ذهن غریزی بود از هم

۳۳- لوسین لوی برول فیلسوف و اندیشمند سترگ فرانسوی بی‌آنکه به قوانین و قواعد درونی این دو نوع ساخت ذهنی آگاهی داشته باشد، به واقعیت آن آگاهی داشته است و آخرین سطور کتاب ارزشمند خود «بومیان چگونه می‌اندیشند» (*How Natives Think*) را با این جملات به پایان می‌برد که:

«حقیقت این است که کارکرد ذهن ما هم عقلانی است و هم غیرعقلانی. ذهن ماقبل منطقی و عرفانی ما در همزیستی با ذهن منطقی ماست... و اگر درست است که ذهنیت ما هم منطقی و هم پیش منطقی است، در این صورت تاریخ جزمهای دینی و سیستم‌های فلسفی می‌بایستی در پرتو جدیدی توضیح داده شوند.»

گیسخت. در قلمرو خرد غریزی اشیاء بر اساس شباهتشان با یکدیگر مرتبط بودند اما با تولد زبان و تعیین دقیق مرز میان اشیاء و تعیین دقیق مرز میان الفاظ و گذر از محور سه حدی خرد غریزی به محور دوحدی زبان، آن ارتباط مبتنی بر شباهت ویران شد. این پرسش در اذهان شکل گرفت که اگر طبق اصل اینهمانی هر چیز خود آن چیز است و لاغیر پس رابطه میان اشیاء که از لحاظ تجربیات عملی امری غیرقابل انکار است چه می شود؟ انسانها در جست و جوی پاسخ به این پرسش به کشف مهمی نایل آمدند: اصل علیت.

در عالم واقع آنچه که اشیاء را به یکدیگر پیوند می دهد اصل علیت است، درست است که طبق اصل اینهمانی دانه دانه است و درخت درخت است اما این درخت از آن دانه حاصل آمده است یعنی دانه علت درخت و درخت معلول آن دانه است. بدین سان پیوند از هم گسیخته میان اشیاء مجدداً توسط اصل علیت برقرار می شود. درست به همان مقیاسی که اصل مشابهت در اندیشه غریزی، ام الاصول و خصلت اساسی این اندیشه است اصل علیت در اندیشه علمی دارای چنین مقامی است.*

آرژین مهرگان

اصفهان - بهار ۷۶

*. فروید در تفسیر رؤیایها از اصل علیت و کارکرد آن در رؤیا سخن گفته است. لوی برول و کاسیرر نیز معتقدند اصل علیت به همان شدتی که بر اندیشه علمی انسان متمدن حاکم است بر اندیشه بدویان نیز سلطه دارد منتها جهت های آن متفاوتند. لوی برول در *Primitiv Mentality* P.437 می نویسد: «ذهن بدوی به همان اندازه مشتاق یافتن علت رویدادهاست که ذهن ما، اما تفکر او همان مسیری را که ذهن ما در یافتن علل رویدادها طی می کند، نمی پیماید. ذهن او در جهانی سیر می کند که تعداد بیشماری از نیروهای مرموز در هر کجای آن حاضر دارند که مدام در حالی عمل یا آماده عمل کردن اند».